



ظرفیت های ژئوپولیتیکای چابهار برای دور زدن تحریم های بین المللی

دکتر هاشم امیری^۱، مدرس دانشگاه

دکتر اعظم یوسفی، استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۲۴

چکیده

چابهار تنها بندر اقیانوسی ایران، یکی از نقاط کلیدی در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان بوده و در کریدور شمال - جنوب جایگاه مهمی دارد. این بندر در مسیر ترانزیتی شرق - غرب قرار گرفته و فوریت های مختلف اقتصادی و جغرافیایی در زمینه ترانزیت و ترانشیب دارد. در مجموع بالفعل شدن چنین پتانسیلی، میتواند علاوه بر کارکردهای و ارتقاء نقش کلان اقتصادی آفرینی ژئواکونومیکی منطقه، با توجه به نیازهای حیاتی کشورهای محصور در خشکی در حوزه های پیرامونی ایران، به لحاظ اقتصادی، می تواند زمینه ساز نوعی همگرایی منطقه ای نیز باشد. براین اساس، ایران میتواند با استفاده از پتانسیل های ژئوپولیتیکای و ژئواکونومیکی منطقه و به تبع آن، برقراری نوعی پیوند اقتصادی بر محور منطقه آزاد چابهار، نفوذ قابل توجهی در مناطق پیرامونی، بویژه منطقه آسیای مرکزی و افغانستان به دست آورد. بنابراین سؤال پژوهش این است آیا چابهار در شرایط سخت تحریمی پتانسیل کمک به کشور را دارد؟ یافته های تحقیق نشان می دهد پیوندهای اقتصادی براساس زیربنای جغرافیایی و ژئوپولیتیکای کمک شایانی برای کشورهایی است که تحت تحریم های بین المللی قرار می گیرند. زیرا ایران می تواند بخشی از نیازهای استراتژیک خود را از طریق ظرفیت هایی که اشتراک منافی با همسایگان و دیگر کشورها به وجود آورده است، را تامین کند. همچنین وابستگی اقتصادی براساس نیازهای مشترک کشورهای محصور در خشکی به ایران، جغرافیای چابهار و پیوندهای اقتصادی منطقه، هارتلند جدید در آسیای باختری، ژئوپولیتیک شمال و جنوب ایران در ایجاد شبکه بازرگانی دوسویه، منطقه آزاد چابهار و پیوندهای ایران با همسایگان و.. می تواند مانع عمده ای در راه کارامدی تحریم های بین المللی بالاخص تحریم های ایالات متحده باشد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و همچنین استفاده از منابع کتابخانه ای (کتب، مقالات) و منابع اینترنتی و استفاده از نقشه های جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: چابهار، همگرایی منطقه ای، ژئوپولیتیک، تحریم

^۱ H_amiri@yahoo.com



مقدمه

جمهوری اسلامی ایران تقریباً از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی‌سازی اورانیوم این تحریمها وارد دور تازه ای شد. اظهارات مکرر مقامات آمریکایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که به زعم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران چالشی جدی برای منافع و امنیت آمریکا و اسرائیل و حتی ثبات خاورمیانه است. در سالهای اخیر تنشهای میان ایران و آمریکا وارد فاز تازه ای شد که با گذشته تفاوت جدی دارد و امروز آمریکا تمام توان سیاسی، اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی خود را بکار گرفته تا بتواند با مشارکت سایر کشورها، ایران را وادار به پذیرش خواسته‌های خود بنماید. این کشورها با سیاسی کردن پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران و کشاندن آن به شورای امنیت تاکنون قطعنامه‌های در سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی ایران به تصویب رسانده‌اند. علاوه بر قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، آمریکا، اروپا، ژاپن، کانادا، استرالیا و برخی کشورهای دیگر نیز تحریم‌های یکجانبه‌ای را علیه ایران به اجرا گذاشته‌اند که فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت می‌باشد. همچنین، سایر کشورها برای تحدید روابط اقتصادی خود با ایران تحت فشار ایالات متحده آمریکا قرار دارند. تحلیلگران و مقامات غربی هدف از تحریم‌ها را واداشتن جمهوری اسلامی ایران به متوقف کردن برنامه‌های هسته‌ای، محدود کردن توانایی ایران در دستیابی به اقلام و تجهیزات موردنیاز برای توسعه برنامه‌های هسته‌ای، واداشتن ایران به متوقف کردن حمایت از حزب الله و حماس، وادار نمودن ایران به رعایت حقوق بشر، محدود کردن حوزه نفوذ ایران در منطقه و در مجموع به عبارت برخی سیاستگذاران آمریکایی ایجاد تغییر بنیادین در رویکردها و سیاستهای ج.ا.ایران ذکر کرده‌اند. در مجموع، با وجود شدت و گستردگی تحریم‌ها ایران در مقابل موج تحریم‌های وضع شده منفعل نبوده و توانسته با تدابیری که تاکنون برای مقابله با آنها اتخاذ نموده از بسیاری از پیامدهای ناگوار آن جلوگیری کند. استفاده از ظرفیتهای کشورهای غیرمتخاصم و نگاه به شرق در روابط اقتصادی، انتقال بخش عمده ذخایر ارزی موجود در حساب‌های بانکهای غربی به داخل کشور، استفاده از ابزارهای جایگزین نقل و انتقال پول نظیر تهاتر، پیگیری حقوقی برای رفع تحریمهای غیرقانونی و خارج کردن برخی بانک‌های کشور از لیست تحریم، تسویه بخشی از بدهیهای خارجی کشور توسط ذخایر ارزی کشور در بانک‌های خارجی و ... از جمله تدابیری بوده که در عرصه بین‌المللی جهت مقابله با آثار سوء تحریمها صورت گرفته است. همه موارد ذکر از جمله راههای خنثی کردن تحریم‌هاست با این وجود نقطه ضعف اینگونه راهکارها در مقابل تحریم عدم ضمانت قوی اجرایی و دوام آنهاست زیرا که این دور زدن تحریم‌ها با کمک دولت‌های دیگر به صورت رسمی، عملی و آشکار صورت نمی‌گیرد. به عبارتی دیگر منافع پایدار و ملی برای این دولت‌ها در این همکاری وجود ندارد. برای حل این معضل، جغرافیای ایران امکاناتی را در اختیار دولت قرار داده است که با بهره‌برداری درست از آنها می‌توان امنیت و منافع تعداد زیادی از کشورها را به امنیت و توسعه ایران گره زد. در این برخورد، کشوری مانند ایران که در اندیشه ایجاد ارتباطات گسترده بازرگانی و اقتصادی میان کرانه‌هایش در اقیانوس هند و کشورهای محاصره شده در خشکی، در ماورای سرزمین‌های شمالی خود است، می‌تواند با به کارگیری هوشیاری در شناخت دقیق موقعیت ممتاز جغرافیایی خود و با به کار گرفتن اندکی دلیری این جغرافیا را به "قدرت" تبدیل کرده و این موقعیت را به یک هارتلند جدید در ژئوپولیتیک نیمکره خاوری جهان مبدل سازد. اینجاست که با گره زدن امنیت، اقتصاد، و سیاست خود به کشورهای



محصور در کرانه‌هایی شمالی و تا حدودی شرقی ایران اولاً خطرات و تهدیداتی چون تحریم تا حدود زیادی ناکارآمد و بی اثر خواهد شد و از طرفی ظرفیت‌های کم نظیر ژئوپولیتیک کشور کارامدی و کارایی خود را حفظ خواهد کرد. در این پژوهش سعی بر آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و همچنین استفاده از منابع کتابخانه‌ای نقش فضاها و جغرافیایی را با تأکید بر منطقه چابهار در دور زدن تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران را مورد بررسی قرار دهیم.

۱- مبانی نظری

۱-۱- تحریم

تحریم‌ها برای اهداف مختلفی استفاده می‌شود، اما غالباً از آن در زمان جنگ به مثابه ابزار فرعی نظامی استفاده می‌شود. در واقع یونان تحریم‌های اقتصادی را ۴۳۲ قبل از میلاد اعمال کرد، زمانی که آتنیها (اهالی پایتخت یونان) از واردات کالا از شبه جزیره جنوبی یونان منع شدند. در جنگ‌های مذهبی و تحولات اروپا، دولت‌ها از ممنوعیت‌های تجاری و تحریم‌های اقتصادی دیگر برای مجبور کردن گروه‌ها به حمایت از اقلیت‌های خاص مسیحی استفاده می‌کردند. از نظر دیگر نیز می‌توان تحریم‌ها را به دو نوع سخت و نرم تقسیم بندی کرد. تحریم‌های سخت بیشتر به شکل تحریم‌های نظامی با محاصره اقتصادی کشور هدف خود را نشان می‌دهد، اما تحریم‌های مالی و تجاری اشکالی از تحریم‌های نرم است. در این زمینه نیز با توجه به هزینه‌های بیشتر و دشواری در عمل، معمولاً تحریم‌های نرم بر تحریم‌های سخت ترجیح داده می‌شود.

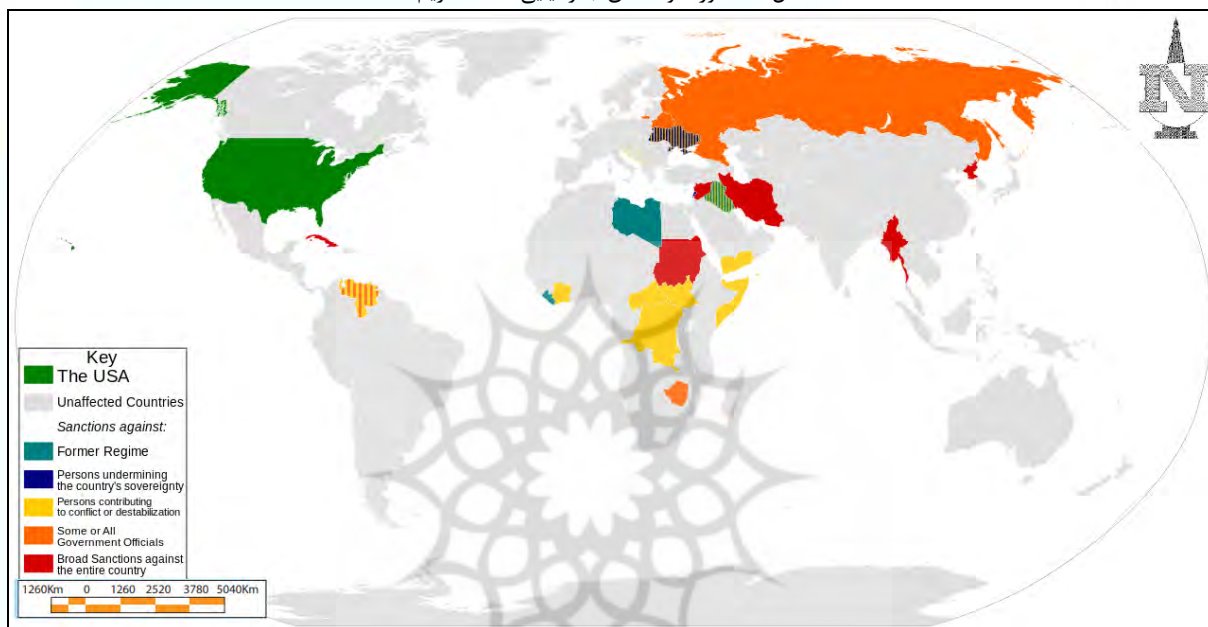
تحریم جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی است که کشورهای تحریم‌کننده از آن به منزله ابزاری غیرنظامی برای مجبور کردن دولتهای کشورهای هدف تحریم (شکل ۲) برای انجام دادن واکنش موردنظرشان استفاده می‌کنند. منظور از تحریم اقتصادی کاهش یا متوقف کردن یا تهدید به توقف روابط اقتصادی و تجاری و مالی متعارف با کشور هدف از سوی کشور یا کشورهای تحریم‌کننده است. در واقع تحریم‌های اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفت و گو فراتر می‌برد و وارد حوزه عمل می‌کند (Eyler, 2007: 4). نهاد تحریم‌کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور از قبیل آمریکا یا سازمانی بین‌المللی از قبیل سازمان ملل باشد. کشور هدف نیز کشوری است که مستقیماً سیاست‌های تحریم بر آن اعمال شده است. منظور از اهداف سیاست خارجی تغییر در رفتارهای سیاسی کشور هدف است که تحریم‌کننده صریح یا ضمنی آن را دنبال می‌کند (Hufbauer and et al, 2007: 44).

همان‌طور که در تعریف مشخص است تحریم بر دو نوع عمده است: اول تحریم‌های تجاری و دوم تحریم‌های مالی، تحریم‌های تجاری بر صادرات و واردات کالاها یا کالای خاص کشور هدف اعمال می‌شود؛ اما تحریم‌های مالی بیشتر بر گردش مالی کشور مذکور تمرکز می‌کند. تحریم بانک‌ها با بانک مرکزی از نوع تحریم‌های مالی است. با این حال اغلب تحریم‌ها ترکیبی از تحریم‌های تجاری و مالی است. کشورهای تحریم‌کننده معمولاً اقبال بیشتری به تحریم مالی دارند؛ زیرا، ۱. تحریم‌های مالی از تحریم‌های تجاری راحت‌تر اعمال می‌شود؛ چراکه دولتها و نهادهای مالی بین‌المللی ارائه‌کنندگان با تضمین‌کنندگان اصلی گردشهای مالی هستند و نیز بازارهای مالی خصوصی نیز از بازارهای کالایی مقررات پذیرتر هستند؛ ضمن اینکه تمرکز فعالیت‌های مالی در دست بازیگران محدودی است و این نیز سهولت نسبی در نظارت و تنبیه خاطیان را در این بازارها در پی دارد. ۲. بازارهای مالی به دلیل خطرپذیرتر بودن



گردانندگان و فعالان آنها از قبیل بانکداران، سفته بازان و سرمایه گذاران (که از آنها به اجراکنندگان خصوصی تحریم تعبیر می شود) برخلاف بازارهای تجاری به تسریع و تشدید نتایج تحریم منجر می شوند. ۳. در اقتصادهای بازاری مدرن، تجارت و دیگر فعالیتهای اقتصادی شدید به دسترسی به منابع مالی وابسته است. وضع محدودیتهای شدید مالی به اختلال در مبادلات و تعاملات تجاری منجر می شود، بدون آنکه کشور تحریم کننده بخواهد زحمت های مرتبط با تحریم تجاری از قبیل ممانعت از قاچاق وغیره را تحمل کند. دلایل یادشده سبب می شود که تحریم های مالی از تحریم های تجاری اثربخش تر باشد، آسان تر اعمال شود و فرار از آنها دشوارتر باشد و در نهایت آثار تشدید کننده جدی تری را برانگیزد (Ibid).

شکل ۲: کشورها و مناطق جغرافیایی هدف تحریم



همواره راه حل های پنهان و پیدایی برای دور زدن و فرار از تحریم ها وجود خواهد داشت. این حقیقتی است که مدت های مدید رواج داشته است. سال های متمادی ایران تحت فشار تحریم ها بوده است تا اینکه سال ۲۰۱۶ در ازای محدود کردن فعالیت های هسته ای، به توافقی با آمریکا و سایر قدرت های جهانی دست یافت که فشار اقتصادی را از شانه های این کشور برمی داشت. دونالد ترامپ به طور یکجانبه از این توافق چندجانبه بیرون آمد و تحریم های اقتصادی را دوباره علیه ایران به جریان انداخت. بسیاری از راهکارهای دور زدن تحریم ها، کاربرد مشابهی در اموری از طریق مواردی مثل تاسیس شرکت های پوششی و استفاده از واسطه های حمل و نقل برای پنهان ساختن مبدا و مقصد محموله های ارسالی دارند. ازسوی دیگر شبکه عظیمی از دلالتان در جهان موجود است که به شرکت های تولید قطعات هواپیما، قطعات یدکی موتور، تجهیزات فرود، اویونیک و الکترونیک مراجعه می کنند و این گونه وانمود می کنند که محموله خریداری شده بناست به کشوری حمل شود که مجاز است آنها را داشته باشد. پس از انتقال به آن کشور، محموله مورد نظر مجدداً به مقصد ایران بارگیری می شود. این عمل در معاملات نفتی با دشواری بیشتری همراه است زیرا نفت خام را باید در نفتکش های غول پیکر روی دریاهای آزاد جابجا کرد. اما به گفته پیتر هرل، یکی از اعضای ارشد اندیشکده نیو امریکن سکیوریتی در واشنگتن معتقد است با تجربه پیشین از تحریم های بین المللی، ایران قادر است راه هایی برای دور زدن تحریم های نفتی نیز بیابد. او می گوید: "شاهد



خواهیم بود که ایران، تجهیزات مسیریابی نفتکش های خود را خاموش کرده و از مسیرهای پیچ در پیچ دریایی برای پنهان کردن هویت ایرانی نفتکش ها استفاده کند. یکی از تاکتیک های پنهان سازی مبداء، تغییر پرچم و نام نفتکش هاست". هرل که زمانی در وزارت امور خارجه دولت اوباما روی تحریم ها کار می کرد، می گوید امروزه با استفاده از ماهواره ها، ردیابی نفتکش های ایرانی آسان شده است (روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۷/۳/۱۳۹۹).

۲-۱- همگرایی منطقه ای

همگرایی به معنای ترکیب و ادغام اجزاء در یک کل است و با یکسان سازی سیاست های اقتصادی و سیاسی بازیگران در قبال یکدیگر، به نوعی آزادسازی تبعیض آمیز تجارت منجر می گردد. هدف اساسی همگرایی اقتصادی، آزادسازی تجاری است و در کنار آن به «گسترش تولید جهانی و بالطبع آن تخصص در تولید داخلی، کسب درآمدهای ارزی، کاهش هزینه های تولید در سطح منطقه، افزایش تجارت، صرفه جویی در منابع کمیاب داخلی، توزیع بهینه درآمد، افزایش کارایی در تولید و تجارت، افزایش سرمایه گذاری های خارجی و استفاده از مزیت های نسبی» یاری می رساند (امیدی، ۱۳۸۸: ۳۳-۴۵).

همگرایی، بیشتر از آنکه هدف باشد، روندی است که یک سوی آن ادغام اقتصادی و سوی دیگرش اتحاد سیاسی و اتخاذ رویه های مشترک در سیاست های خارجی و امنیتی است. البته در دنیای واقعیت، حرکت از هر دو سوی طیف به سمت دیگر، تجربه شده است. اتحادیه اروپا در آغاز اهدافی صرفاً اقتصادی را دنبال می کرد، اما به تدریج در مسائل سیاسی نیز وارد شد. برعکس آن، آسه آن، در ابتدا اهداف سیاسی و امنیتی را دنبال می نمود، ولی بعدها همکاری های اقتصادی را به سیاهه همکاری ها افزود، به نحوی که پس از امضای موافقتنامه تجاری در سال ۲۰۰۵ میلادی و خدمات در سال ۲۰۰۷ میلادی، میان چین و آسه آن، حجم مبادلات تجاری به یک هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. در حال حاضر و به خصوص با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و از بین رفتن نظام دو قطبی و جنگ سرد، آنچه بیشتر پیمان های منطقه گرایانه را به پدیده ای جذاب بدل می کند، دو اصل اقتصادی مغایر تجارت آزاد و سیاست های حمایتی است. به همین دلیل «از ابتدای دهه ۹۰ تاکنون روند اصلاح قوانین و مقررات مربوط به ترتیبات تجاری بلوک های منطقه ای بیشترین وقت رهبران سیاسی و اقتصادی جهان را به خود اختصاص داده است». اگر منطقه را سرزمین چند کشور بدانیم که به علت پیوندهای جغرافیایی یا منافع ملی مشترک به یکدیگر مربوط شده اند، شناخت متغیرهایی که در شکل گیری یک نظام منطقه ای و تعاملات و جهت گیری های آینده آن موثر است، این امکان را برای تصمیم سازان و تصمیم گیران در حوزه سیاست خارجی فراهم می سازد تا در تدوین استراتژی های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت و در پیش گرفتن تاکتیک های مقطعی نگاهی جامع به مسائل منطقه ای داشته باشند و پیشاپیش برای حفظ و تقویت موقعیت خود در منطقه برنامه ریزی کنند. همگرایی را می توان به سه دسته تقسیم کرد.

الف) همگرایی در نهادها، آن چیزی که عمدتاً فدرال گرایان مطرح می کنند. همگرایی در سیاست ها عمل و اقدام هماهنگ گروهی از کشورهای مورد نظر است که در سیاست داخلی و خارجی خود از مشی و سیاست های مشترکی پیروی می کنند. ب) اقتصادی که از حاصل یکسان شدن اقتصاد چند واحد سیاسی مختلف نتیجه می گیرد. در بحث همگرایی اقتصادی، میزان حمایت دولت ها از اقتصادهای ملی، نحوه ارتباطات اقتصادی و سطح تجارت درون منطقه ای و تکمیل کنندگی اقتصادی واحدهای همگرا مورد نظر قرار گیرد. همگرایی اقتصادی به معنی افزایش وابستگی متقابل در یک منطقه بر پایه شاخص هایی چون بازرگانی درون منطقه ای و هماهنگ سازی روش ها، استانداردها و مقررات



باززرگانی است. ج) اجتماعی که مربوط به اشتراکات فرهنگی، آموزشی و توسعه روابط اجتماعی و گسترش مبادلات است. این شکل از همگرایی برای پذیرش و تسهیل در همگرایی اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد.

به‌طور کلی گفته می‌شود در شکل‌گیری پدیده همگرایی بین کشورهای خاورمیانه، وجود مسائل تاریخی و جغرافیایی واحد، اعتقاد دینی، بهره‌مندی از فرهنگ مشترک، وجود مشکلات و دردهای مشترک، نیازهای متقابل، مسائلی چون نژاد، زبان و همچنین منابع اقتصادی فراوان، می‌توانند موثر باشند، اما در قالب فعالیت‌های اقتصادی کشورها برای مثال در چارچوب سازمان‌های منطقه‌ای مانند اکو، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب و همانند آن می‌تواند موجبات تقویت روابط چندجانبه و در نتیجه تضامین امنیتی برای کشورهای منطقه فراهم شود. دولت ایران نیز در منطقه خاورمیانه به جهت موقعیت منحصر به فرد خود از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است زیرا از یک طرف از لحاظ سیاسی، به دلیل داشتن جمعیت زیاد با اکثریت شیعه در میان کشورهای منطقه و گسترش نفوذ خود در عراق، سوریه، افغانستان، فلسطین، لبنان و قرار گرفتن ایران به‌عنوان محور و مرکز تحولات منطقه و حضور قدرتمند ایران در مناسبات منطقه‌ای و جهانی، دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای و ورود ایران به جمع قدرت‌های هسته‌ای جهان و داشتن پتانسیل بالا در زمینه‌های علمی و آموزشی به‌عنوان یکی از کشورهای تاثیرگذار منطقه مطرح است (فتحی، ۱۳۸۱).

۳-۱- نظریه هارتلند

مکیندر در زمان تدوین نظریه خود، بر این باور بود که این نظریه در تمامی دوران تاریخ قابل کاربرد و تأثیرگذار بر سیاست جهان خواهد بود. انتقادهای زیادی نیز بر نظریه مکیندر وارد شده است که یکی از مهم‌ترین آنها، مبتنی بر نپذیرفتن فرضیه مکیندر در خصوص همیشگی بودن اهمیت منطقه موسوم به هارتلند است. در این راستا، نظریه پردازان و اندیشمندان متعددی، عامل فناوری را موجب تقلیل و حذف اهمیت منطقه هارتلند دانسته‌اند. به عنوان مثال، رالف ترنر (۱۹۴۳) استدلال کرده است که «فناوری قدرت هوایی و موشک‌های هسته‌ای، قدرت هارتلند را تقلیل داده است. نظریه «هارتلند» یا «فلسفه مکیندر» (۲۲: ۲۰۰۶، Seiple) یک نقطه مرکزی را در قلب زمین مشخص کرده است، آمودریا و سیردریا و دو که رودخانه‌های ولگا، نی سی دریاچه خزر و آرال را در خود جای داده است (۶۰۵-۵۹۵: ۱۹۴۳). Mackinder) در نظریه هارتلند، مکیندر دو علم «جغرافیا» و «سیاست بین‌الملل» را در هم می‌آمیزد و منطقه اوراسیا را به لحاظ استراتژیک پر امتیازترین منطقه جغرافیایی دانسته و آن را قلب سیاست جهان معرفی می‌کند. هارتلند اوراسیا برای امنیت بین‌الملل حیاتی است و کسانی که بر این منطقه دسترسی داشته باشند، نقشی اساسی در صحنه جهانی ایفا خواهند کرد (ibid).

۲- یافته‌های پژوهش

۲-۱- هارتلند جدید در آسیای باختری

بلافاصله پس از فروپاشی شوروی پیشین، ایالات متحده در حرکتی حیرت‌انگیز مدعی وجود منابع انرژی بسیار گسترده‌ای در خزر شد و حتی ارقام فریبنده‌ای مانند ۲۰۰ میلیارد بشکه نفت را اعلام کرد. بر اساس این ادعاها بود که استنباط تبدیل خزر به یکی از دو منبع اصلی تولید انرژی در قرن بیست و یکم را پیش آورد و بر اساس همین استنباط بود که فرض شد دو منطقه خلیج فارس و خزر- آسیای مرکزی می‌روند که به عنوان دو انبار اصلی تامین کننده انرژی چند دهه نخستین قرن بیست و یکم، در نظام جهانی فرا آینده نقش به هم پیوسته ژئوپولیتیک و



ژئواستراتژیک پراهمیتی را ایفا نمایند. به این ترتیب، هر مساله ای امنیتی در این دو منطقه توجه نقش آفرینان عمده جهانی و منطقه ای را به یکسان جلب کرد، و از چنین توجه و نگرانی های استراتژیک بود که دورنمای تازه ای از مفهوم "هارتلند"، از به هم آمیخته این دو منطقه در نظام ژئوپولیتیک شکل گیرنده، ترسیم شد (Iranian Port Welcomes Indian Traffic to Central Asia, ۱۹۹۵: ۸).

۲-۲- ژئوپولیتیک شمال و جنوب ایران در ایجاد شبکه بازرگانی دوسویه

در شکل دهی عجلوانه امریکایی ها به یک هارتلند جدید در منطقه اورآسیا، ایران خود به خود در مقام پلی سرزمینی میان دو منطقه خلیج فارس و خزر- آسیای مرکزی قرار گرفت و وضعیت جدید در فرضیه نگاری های بها از داده جفری کمپ Jeffry Kemp (با کسره ک) در اواخر دهه ۱۹۹۰ به ترسیم ژئوپولیتیکی نوین درآمد (Kemp, ۱۹۹۷).. به گفته دیگر، فکر می شد که اگر قرار باشد خاورمیانه و خلیج فارس با منطقه خزر-آسیای مرکزی ارتباطی جغرافیایی برقرار کنند، چنین ارتباطی تنها از راه ایران واقعیت پذیر است، چراکه ایران تنها کشور خاور میانه و خلیج فارس است که در منطقه خزر-آسیای مرکزی حضور جغرافیایی واقعی دارد. در همان حال، ایالات متحده آمریکا پذیرفتن موقعیت جغرافیایی جدید ایران و در نظر گرفتنش در طرح های امنیتی مربوط به نظام نوین جهانی مورد نظر خود را دشوار دید. این وضعیت جغرافیایی بستری ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک را شالوده ریخت که مفاهیم امنیتی متفاوت ایرانی و امریکایی رو در روی هم قرار گرفته و بر روابط دو جانبه میان آن دو سایه افکند. همین وضع، دست کم از دید تئوری، منبع عمده ای از تهدید برای امنیت آسیای باختری شمرده شد.

ایران برای دورانی دراز از سوی ابرقدرت همسایه در جناح شمالی خود به عنوان مانع سرزمینی تلقی می شد که چون از دسترسش به "آبهای گرم" جنوب - خلیج فارس و اقیانوس هند - جلوگیری می کرد، می بایستی بر آن چیره شد. از آغاز این تهاجم ژئوپولیتیکی امریکا به محور سرزمینی خزر - قفقاز - آسیای مرکزی و منطقه خلیج فارس پیدا بود که توجه ویژه جهان را به پتانسیل های ژئوپولیتیکی این مجموعه سرزمین های به هم پیوسته جلب خواهد کرد و به ایران این امکان را خواهد داد تا بتواند در یک برنامه ریزی حساب شده مبتنی بر جهان بینی و جهانی اندیشی ژئوپولیتیکی آزاد ژرفای ژئوپولیتیکی شمالی (خزر - قفقاز آسیای مرکزی) را به ژرفای ژئوپولیتیکی جنوبی (خلیج فارس - تنگه هرمز - دریای مکران = بخش ایرانی دریای عمان) را در یک شبکه گسترده از ارتباطات دو سویه به هم وصل کند و سرزمین های واسطه این دو منطقه را به "هارتلند" جدید جهان تبدیل کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۳: ۳).

شکل ۳- ژئوپولیتیک شمال و جنوب ایران در ایجاد شبکه بازرگانی دوسویه



Source: www.irna.ir

۲-۳- منطقه آزاد چابهار و پیوندهای ایران با همسایگان

منطقه ی آزاد چابهار به عنوان یک سرگروه اقتصادی با ایجاد کار، فراهم ساختن زمینه ی دستیابی کشورهای حوزه ی CIS به آب های آزاد، افزایش ترانزیت، گسترش گردشگری و ... می تواند به شدت مورد نگرش قرار گیرد. این منطقه جایگاه استراتژیک و ارزشمندی و در چشم انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ش، دارد و در صورت برداشتن بازدارنده ها، تنگناها، کاستی ها، چالش ها و توجه ویژه به زیرساخت ها، می تواند بخشی از گذرگاه گسترش و سازندگی کشور را در جهت آرمان های جمهوری اسلامی ایران، آشکار سازد (امیری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۷). جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه جایگاه کرانه ای خود، چیرگی به خلیج فارس و دریای مکران از یک سو، و پیوند آن با کشورهای درون قاره ای آسیای مرکزی، از سوی دیگر، پیوسته در درازای تاریخ، مورد نگرش گردشگران بوده و گذرگاهی آرام برای کالای بازرگانی به شمار می رفته است. ایران در جایگاه جغرافیایی برتر خود، میان کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز، کرانه های خلیج فارس و دریای مکران و نیز خاور دریای مدیترانه و در سطح کلان، سراسر آسیای جنوب باختری پیوسته یک بستر پیوندی ارزشمندی به شمار می رود. از جمله ظرفیت های این بستر پیوندی، پشتوانه های عملی و کاربردی در شرایط تهدید علیه منافع ملی ایران است.

۲-۴- جغرافیای چابهار در خدمات پیوندهای ژئوپولیتیکی منطقه ای

منطقه اوراسیا به عنوان مهمترین گستره قدرت جهانی از مناطق ژئوپولیتیکی متعددی با ویژگیهای متفاوتی تشکیل شده است که هر کدام از این مناطق با توجه به ویژگیهای خود نقش ویژه ای در عرصه رقابت های جهانی بر عهده دارد. در حال حاضر، از جمله مهمترین مناطق ژئوپولیتیکی اوراسیا و عبارتند از: مناطق ژئوپولیتیکی آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، آناتولی هستند که منطقه آزاد تجاری چابهار در گستره جغرافیایی ایران می تواند بر طرف کننده تنگنای جغرافیایی مناطق یاد شده باشد. این ویژگی، در صورت استفاده منطقی میتواند مزیت های ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی ویژه ای برای ایران فراهم آورد. به عبارت بهتر، این موقعیت حساس نشان دهنده ظرفیتهای بالای ایران برای ایفای نقش ژئوپولیتیکی در مناطق یاد شده می باشد.

مهمترین ویژگی ژئوپولیتیکی منطقه آزاد چابهار، همجواری آن با دریای عمان و اقیانوس هند می باشد اهمیت این مسئله وقتی دوچندان می شود که ما به این واقعیت توجه داشته باشیم که این منطقه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، با توجه به واقعیتهای ژئوپولیتیکی آن (بویژه محصور بودن کشورهای کرانه شمالی ایران در خشکی) نزدیک ترین و



امن ترین مسیر دسترسی به دریا و استفاده از عواید آن بوده است. البته، همجواری ایران با جمهوری های تازه تاسیس هم میتواند فرصت باشد و هم تهدید. با این وجود، در صورت استفاده از منطق ژئوپولیتیک در معادلات منطقه ای میتوان تهدیدات موجود را نیز به فرصت تبدیل کرد. یکی از این ظرفیت های کم نظیر پس کرانه ها ایرانی مکران در دریای عمان است که می تواند به عنوان پل سرزمینی ارتباط دهنده آسیای مرکزی به اقیانوس هند، در گسترش تلاش های بازرگانی (هندوستان) در آن منطقه نقشی محوری داشته باشد. بازرگانی دریای (هندوستان)، در حال حاضر، از بندرهای گرجستان و اوکراین استفاده می کند به اضافه پیمودن صدها کیلومتر راه خشکی در روسیه تا بتواند به آسیای مرکزی دست رسی یابد. ایران پیشنهاد کرده بود که هندوستان هزینه تاسیس هفتصد کیلومتر راه آهن ارتباط دهنده بافق به مشهد را، برای دست رسی مستقیم به آسیای مرکزی، تامین نماید (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۰۳-۱۲۳). دست رسی مستقیمی که می تواند مسیر آسیای مرکزی - اقیانوس هند را صدها کیلومتر کوتاه تر سازد. این اقدام می توانست شبه قاره هند را در آسیای مرکزی از امتیاز ویژه ای نسبت به رقیبانش برخوردار سازد. نمایندگان هندوستان و ترکمنستان در تاریخ ۲۲ فوریه ۱۹۹۷ یک قرارداد ترانزیت سه جانبه را با ایران امضاء کردند، این قرارداد استفاده هندوستان از امکانات جغرافیایی ایران برای دست رسی به آسیای مرکزی را آسان ساخت. امروزه اکثر کارشناسان و مسئولین بر منافع حاصل از ترانزیت برای ایران اذعان داشته و حتی موضوع ترانزیت را با اهمیت تر از موضوع گردشگری می دانند. به عبارتی نقشی که ترانزیت کالا علاوه بر درآمدزایی و رشد اقتصادی خواهد داشت به دلیل گره زدن اقتصاد سایر کشورها به امنیت کشور ما این امر می تواند باعث ثبات هرچه بیشتر امنیت ملی نیز بشود. وقتی ترانزیت در کشورمان فعال بشود کشورهای ذینفع به سختی می توانند این مسیر را نادیده بگیرند و تغییر مسیر ترانزیتی نیز برای آنها بسیار هزینه بر خواهد بود. به نظرم با توجه به شرایط خاص کشورمان و تحریمها در حال حاضر ترانزیت از مسیر ایران بسیار بااهمیت است.

بر این اساس به دلیل موقعیت جغرافیایی ایران که نسبت به کشورهای همسایه بسیار منحصر به فرد است و دارای پتانسیل های عظیمی است و همچنین با توجه به اینکه منافع حاصل و ارزش افزوده حمل ترانزیتی بیشتر از حمل صادراتی و وارداتی است، ایران باید اولویت کاری خود را فعال کردن ترانزیت ریلی کشور قرار دهد (شکل ۲).

۵-۲- جغرافیای چابهار در خدمت امنیت منطقه ای

آگاهی از موقعیتهای جغرافیایی سرزمین ملی، شناخت ضعفها و قابلیت های فضای ملی، شناخت دقیق استعدادها و توانمندیهای توسعه در فضای ملی، تنگناهای امنیتی و توسعه فضایی درون کشور، اهداف، خواسته ها و علایق بازیگران منطقه ای و جهانی، سنجش، ارزیابی و کدگذاری منابع تهدیدات داخلی و خارجی و... و بهره برداری از فرصتهای ژئواکونومیک از مسایل اساسی است که در دستور کار بسیاری از حکومتها قرار گرفته است. بنابراین میتوان گفت که در قرن بیست و یکم، سرمایه گذاری در عرصه اقتصادی همان کاری را خواهد کرد که قدرت آتش بالای نظامی قادر به انجام آن بوده است. در تفکرات ژئواکونومیک، نفوذ و رخنه در بازارها، جایگزین پایگاههای نظامی خارج از کشور قدرتهای بزرگ می شود. از این رو دیپلماتها، امروزه مدعی دفاع از منافع اقتصادی و سیاست ملی هستند (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۰۶).

همان گونه که مسائل جغرافیایی منبع اصلی تهدید نسبت به امنیت منطقه ای شمرده می شود، مسائل جغرافیایی مانند ژئوپولیتیک دست رسی به دنیای خارج و ژئوپولیتیک لوله های نفتی و گازی می توانند از منابع اصلی ناامنی در منطقه خزر- آسیای مرکزی شمرده شوند. برخی از تحولات در دهه ۱۹۹۰ و پس از آن در رابطه با تسهیل دست



رسی منطقه خزر - آسیای مرکزی به خلیج فارس از راه ایران امیدوار کننده بود. در دسامبر ۱۹۹۱ قزاقستان و ایران قراردادی را امضاء کردند که جمهوری های آسیای مرکزی را از امکان ارتباط دادن شبکه راه آهن خود به خلیج فارس از راه ایران برخوردار می ساخت (۱۸). قرارداد دیگری که در همان سال میان ایران و اتحاد از میان رونده شوروی امضاء شد، عبور اقوام ترکمن، ارمنی و آذری از مرزهای دو کشور تا ژرفای ۴۵ مایل در ایران و جمهوری آذربایجان، ایران و ارمنستان، و ایران و ترکمنستان را مجاز ساخت. در ژوئن ۱۹۹۵ ایران، ترکمنستان و ارمنستان قرارداد سه جانبه ای را برای گسترش بازرگانی زمینی میان سه کشور امضاء کردند. ماه مارس آن سال شاهد به هم پیوستن شبکه راه آهن آسیای مرکزی به شبکه راه آهن ایران بود. این دو شبکه راه آهن در ماه مارس ۱۹۹۶ در حضور شماری زیادی از سران دول منطقه یا نمایندگان آنان، به هم وصل شدند. سران کشورهای شرکت کننده در این مراسم موقعیت جغرافیایی ایران را، به عنوان پل اصلی برای دست رسی کشورهای خزر-آسیای مرکزی به دنیای خارج تعریف کردند. فرضیه پیشنهادی ارتباط ژرفای ژئوپولیتیک شمالی ایران به ژرفای ژئوپولیتیک جنوبی شامل این بحث بود که چنین ارتباطی می تواند دست رسی مستقیم کشورهای عربی تولید کننده نفت خلیج فارس به منطقه خزر- آسیای مرکزی را تسهیل کند: کشورهایی که ممکن است خواهان درگیر کردن منافع ملی خود در فعالیت های اقتصادی منطقه ای باشند که می رود در بازارهای بین المللی انرژی رقیب منطقه خلیج فارس شود. همین گونه، به عنوان یک پل سرزمینی ارتباط دهنده خزر- آسیای مرکزی به اقیانوس هند، ایران می تواند نقشی محوری را در روابط بازرگانی هندوستان با آن منطقه عهده گیرد. اهمیت چابهار برای هند چنان جدی است که این کشور نزدیک به سه دهه است که به دنبال توسعه این بندر جنوبی ایران است. در واقع توسعه پروژه چابهار برای این کشور بسیار فراتر از افزایش مناسبات بازرگانی و صادرات به ایران اهمیت دارد. چون با بندر چابهار هند نه فقط به ایران و افغانستان بلکه به آسیای مرکزی و چه بسا روزی به اروپا دسترسی خواهد داشت. سیاست خارجی عمل گرایانه و ضرورت توسعه اقتصادی، مواضع سه کشور افغانستان، هند و ایران را به یکدیگر نزدیک کرده است. تحلیلگران بر این باورند که هند، به عنوان یکی از قدرتهای نوظهور اقتصادی در جنوب آسیا با طرح استراتژی بلندمدت در راستای توسعه بازارهای داخلی، دسترسی به بازار افغانستان و آسیای میانه و رقابت با چین و پاکستان، تلاش دارد با سرمایه گذاری در بندر چابهار، به نفوذ اقتصادی و سیاسی اش در منطقه بیافزاید و جایگزینی برای بندر گوادر، مسیر ترانزیتی چین و پاکستان ایجاد کند. چابهار، برای هند از اهمیت فوق العاده استراتژیک و حیاتی برخوردار است. تلاش چین و پاکستان در جهت انزوای هند از مسیرهای ترانزیتی با اجرایی شدن چابهار تقریباً ناممکن شده است.

شکل ۴: ارتباط زمینی افغانستان به آبهای آزاد از طریق سواحل مکران و چابهار



-منبع: قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۱

۶-۲- جغرافیای چابهار و پیوندهای اقتصادی منطقه

در دنیای امروز با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد، روز به روز بر اهمیت مقوله حمل و نقل و ترانزیت افزوده میگردد. در این میان آسیا به دلیل رشد اقتصادی قابل توجه، از چشم انداز روشنتری در مبادلات تجاری دنیا برخوردار است. از این رو طرح مسائلی نظیر توسعه تجارت منطقه ای و بین المللی، بدون توجه به مقوله حمل و نقل و ترانزیت عملاً بی ثمر خواهد بود. در همین حال نگاه به مقوله ترانزیت کالا و مسافر، بر بنیانهای اقتصادی و برپایه منافع جمعی همه کشورها استوار است. (طرح مطالعات راهبردی منطقه ی آزاد تجاری- صنعتی چابهار، ۱۳۹۵). در خصوص منطقه آزاد چابهار آنچه که همچنان به عنوان یک مزیت و نقطه قوت تلقی و تبلیغ می گردد «ترانزیت» می باشد. به واقع منطقه آزاد چابهار از زمان تاسیس یکی از نقاط شناخته شده بین المللی در معادلات حمل و نقلی به شمار می رود. به طوریکه مسیر ترانزیتی $A^{۷۲}$ در اسناد بانک توسعه آسیا و سازمان حمل و نقل جهانی به عنوان کوتاه ترین مسیر زمینی حمل و نقل در کریدور ارتباطی اقیانوس هند و کشورهای آسیای میانه، ثبت گردیده است. در شهریورماه ۱۳۷۹ وزمانی که موافقتنامه کریدور شمال- جنوب در سن پترزبورگ میان وزرای حمل و نقل سه کشور ایران، هند و روسیه به امضاء رسید چابهار به عنوان بندری استراتژیک در این کریدور معرفی گردید. بندر چابهار و اتصال آن به مرز ترکمنستان در منطقه مرزی باجگیران کوتاه ترین مسیر حمل و نقل زمینی کالا در کریدور شرق و شاهراه تغذیه کشورهای آسیای مرکزی محسوب می گردید. اما این برتری استراتژیک به تنهایی برای هدایت مبادلات تجاری در قالب ترانزیت به این مسیر کافی نیست. لزوم احداث، تکمیل، نوسازی و بهسازی زیر ساختهای لازم از جمله بندر واسکله های آن، فرودگاه، ریل راه آهن و شبکه جاده های زمینی به شدت احساس می شد.



(امیری، ۱۳۹۰: ۱۴۳) از جهتی دیگر افغانستان به یک بندر و نفت نیاز دارد. ایران خواهان فروش نفت خود در شرایط تحریم است. هند می‌خواهد برای کالاهای خود در آسیای میانه بازار پیدا کند و نفت موردنیاز خود را نیز به راحتی تأمین کند. وابستگی‌های سه کشور به یکدیگر برای تأمین نیازهایشان نکته‌ای موردتوجه است که مقامات سه کشور باید توجه جدی به توسعه و رونق این بندر مهم در جنوب ایران داشته باشند (طهمورثی، <https://www.irna.ir>).

همین نقش "هاب حمل و نقل منطقه ای"، موجبات پیوندهای اقتصادی بین ایران و کشورهای کرانه شمالی و شرقی فضای سرزمینی ایران شده است. یکپارچگی اقتصادی اینچنینی کشورها بر اساس منافع مشترک با درگیری منافع کشورهای متعدد می‌تواند موجب افزایش درآمد و اشتغال شود و این منطقه را از لحاظ اقتصادی قدرتمندتر سازد. همچنین، این پیوندهای اقتصادی براساس زیربناهای جغرافیایی و ژئوپولیتیکی کمک شایانی برای کشورهای است که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند. زیرا از این راه است که اولاً کلیت تحریم کشورها سخت می‌شود و از طرف دیگر در شرایط سخت تحریمی می‌تواند بخشی از نیازهای استراتژیک خود را از طریق ظرفیت‌هایی که پای دیگر متحدان را به کشور هدف تحریم باز کرده است را تأمین کنند. به عبارتی بهتر وابستگی اقتصادی براساس نیازهای مشترک کشورهای محصور در خشکی به ایران، می‌تواند مانع عمده‌ای در راه کارآمدی تحریم‌های بین‌المللی بالاخص تحریم‌های ایالات متحده باشد.

۷-۲- چابهار و رقابت قدرت‌ها

هند در حال انجام اقداماتی برای بهره‌برداری از بندر چابهار در ایران است تا بتواند دسترسی ایمن و تجاری مناسب به دریا را برای کشورهای آسیای مرکزی فراهم کند. همچنین پیشنهاد شده است که بندر چابهار در چارچوب کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب قرار گیرد. هند در حال انجام اقداماتی را برای راه‌اندازی بندر چابهار در ایران است تا از دسترسی ایمن و تجاری مناسب به دریا برای کشورهای آسیای مرکزی اطمینان حاصل کند. هند با استفاده از چابهار مزیت‌های بیشتری نسبت به پاکستان پیدا می‌کند و این موضوع مورد توجه اسلام‌آباد هم قرار گرفته است (<https://ir.sputniknews.com>). گلوبال تایمز از چابهار به عنوان یک کریدور اقتصادی یاد می‌کند که هند به شدت می‌خواهد در آن سهم داشته باشد. به نوشته این روزنامه چینی، در واقع این کریدور اقتصادی و شاهراه مهم منطقه‌ای دروازه‌ای برای ورود هند به خاورمیانه است. نشریه به نقش ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد اهداف ایران می‌تواند در چابهار با هند فرق کند. زیرا ایران به توسعه اقتصادی کل منطقه می‌اندیشد. گلوبال تایمز نوشته است که ایران از این کریدور اقتصادی به عنوان مکمل استفاده می‌کند. ایران با چین نیز رابطه نزدیکی دارد و هرگز بندر گوادر پاکستان را که طرح مشترک چین و پاکستان است یک مانع نمی‌داند و برای تکمیل این کریدور اقتصادی حتی سوخت‌رسانی و آبرسانی نیز کرده است. گلوبال تایمز نوشته است که چابهار یک کریدور اقتصادی است که چین و پاکستان هم آن را مطلوب و باعث ارتباطات بیشتر منطقه‌ای و مرتبط شدن با برنامه جاده ابریشم می‌دانند اما دهلی‌نو نباید به این بندر ایران به عنوان یک برگ برنده و امتیاز منطقه‌ای برای خودش نگاه کند در غیر این صورت حرکتی غیرسازنده صورت داده است. روزنامه می‌نویسد: هند در این اندیشه است که می‌تواند با این قرارداد به مسیرهای اصلی و گذرگاه‌های مهم در افغانستان که بسیاری از شهرهای این کشور را به یکدیگر وصل می‌کند دسترسی داشته باشد. گلوبال تایمز با اشاره به سرمایه‌گذاری ۴۰۰ میلیون دلاری هند در بخش فولاد برای ساخت خط آهن بین چابهار تا زاهدان در نزدیکی مرز با افغانستان اشاره می‌کند که نشان‌دهنده توجهات ویژه هند در این منطقه است (<https://avapress.com>).



جدای از همه اینها به نظر می رسد، موقعیت ویژه چابهار و اهمیت این منطقه برای هند در ارتباطی نزدیک به اهمیت این کشور در رقابت های ابرقدرتی چین و امریکاست. از همین رو بود که در اوج تشدید تحریم های ایالات متحده آمریکا، چابهار از تحریم های ایالات متحده آمریکا خارج شد. زیرا که طرح توسعه بندر چابهار توسط شرکت های هندی انجام می شود و در صورتی که مشمول تحریم آمریکا قرار می گرفت، تامین منابع و اعتبارات مالی برای ادامه طرح با مشکلات جدی مواجه می شد.

نتیجه گیری

پرواضح است که طبیعت و جغرافیا، اصراری بر رعایت عدالت در تخصیص منابع کمیاب ثروت به کشورهای مختلف نداشته است؛ لذا اقتصادهایی که پویایی، بهره‌وری بالا، صادرات گسترده و مبادلات بازرگانی وسیع با دیگر اقتصادها را در سطح جهانی و منطقه‌ای دنبال می کنند، حوزه عمل خود را، فراتر از مرزهای ملی تعریف کرده و برون‌گرایی را در کنار درون‌زایی، وجه لاینفک اقتصاد خود قرار داده‌اند.

در فرآیند غلبه بر چالش جدی، کسب سهمی برتر از منابع کمیاب، استفاده از قدرت، سخت جای خود را به دیپلماسی اقتصادی برای استفاده از ظرفیت‌های جهانی، تلاش و سخت‌کوشی تدبیر پایه، ارتقای دانش، فناوری و بهره‌وری منابع به ویژه نیروی کار و سرمایه، تدابیر هوشمندانه و ساز و کارهای مزیت‌آفرین داده و آن را به شعار حاکم بر نظام اقتصادی امروز دنیا تبدیل کرده است. از این رو پیوند اقتصادهای ملی با اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی به عنوان راهکاری اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به فناوری‌های نوین، جلب سرمایه‌های خارجی و اطمینان از تامین تضمین شده مواد اولیه، دانش فنی، ماشین‌آلات و... مورد نیاز صنایع و از دیگر سوی امکان حضور موثر در بازارهای جهانی و سهم بیشتر از آنها، فراهم کرده است.

با مروری به روند توسعه اقتصادی کشورها در می‌یابیم استفاده از ساز و کار مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به عنوان یکی از مطرح‌ترین راهکارهای آنها برای نیل به این مهم بوده است و بهره‌مندی اصولی از این چارچوب حقوقی، قابلیت‌های بالقوه کشورها در عرصه صنعت، تجارت، ترانزیت، خدمات و... را بالفعل ساخته، دگرگون شدن چهره اقتصادی و توسعه کشورها را باتسهیل شرایط اجرای سیاست‌های نوین اقتصادی رقم زده است.

در این میان برخورداری از منابع زیرزمینی، واقع شدن در مسیر راه‌های اصلی حمل و نقل و ترانزیت دریایی، ریلی، جاده‌ای و هوایی، مهیا بودن زیرساخت‌ها، نیروی انسانی آموزش دیده و ارزان و... موفقیت‌های کشورهایی که این راهبرد را در پیش گرفته‌اند، بیشتر کرده است؛ به نحوی که طی بالغ بر نیم قرن اخیر، کشورهای زیادی متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ژئوپولیتیکی خود و با بهره‌گیری از راهبرد موثر ایجاد مناطق آزاد تجاری - صنعتی، به منظور جلوگیری از شوک‌های ناشی از مراحل انتقالی اقتصاد و هماهنگی با تحولات اقتصاد جهانی، زمینه‌های رشد و توسعه و تعامل جهانی اقتصاد ملی خود را رقم زده و با اتخاذ دیگر راهبردهای هم‌افزا، به کشورهایی پیشرو در فرآیند رشد و شکوفایی اقتصادی تبدیل کرده‌اند. این مدل تا جایی گسترش یافته است که در حال حاضر حدود ۵۴۰۰ منطقه در ۱۴۷ کشور با عناوین مختلف و کارکرد مناطق آزاد وجود دارد و ده‌ها میلیون شغل در آنها ایجاد شده است. ذکر این نکته خالی از لطف نیست که تنها طی پنج سال گذشته ۱۴۰۰ منطقه جدید تاسیس شده و ۵۰۰ منطقه نیز در نقاط مختلف دنیا در حال راه اندازی می‌باشند.

جذب سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال و رونق صادرات، آثار مستقیم کمک مناطق به نظام توسعه ملی است، ضمن آنکه از طریق ایجاد پیوندهایی با اقتصادهای ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی، آثار متعدد غیرمستقیمی نیز در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌نمایند. لیکن باید تاکید کنیم که هیچ کدام از این منافع به صورت خودکار تولید



نمی‌شوند و عدم توجه به بایدهای ضروری برای توفیق مناطق سبب می‌شود، عملکرد مناطق پایین‌تر از انتظارات باشد. بر این اساس، در ایران جدای از مسائل و مشکلات داخلی چون اقتصاد بسته، تک‌محصولی و وابسته به دولت در ساختار اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های بین‌المللی مساله‌ای خارجی است که تبعات و مشکلات عدیده‌ای را برای ایران به وجود آورده است. در این میان بدون وجود دریچه‌هایی سهل، حضور و کسب جایگاه شایسته از اقتصاد بین‌الملل سخت می‌نمود. از طرفی مزیت‌های نسبی در زمینه موقعیت جغرافیایی سیاسی، مسیرهای حمل و نقلی و ترانزیت و منابع طبیعی و زیرزمینی به ویژه نفت و مشتقات آن، معادن غنی و محصولات و جاذبه‌های فراوان گردشگری ایران در قیاس با همسایگان در عرصه اقتصادهای منطقه‌ای و جهانی آنچنان قابل توجه بود که صاحبان سرمایه‌های فکری و مادی و بسیاری از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان همسایگان ایران را نیز به استفاده موثرتر از این مزیت جغرافیایی ایران واداشته است. از جمله این مزیت‌های جغرافیایی می‌توان به:

- نقش ارتباطی ایران برای کشورهای محصور در خشکی، افغانستان-آسیای مرکزی می‌تواند بر نقش ایران در مناسبات منطقه‌ای و نیز ایجاد تعادل‌های ژئوپولیتیکی برای خروج از بحرانها و چالش‌های ژئوپولیتیکی خود موثر باشد.

- به دلیل نقش ارتباطی ایران در همه زمینه‌ها بویژه نقش ساحل عمان در پروژه‌های انتقال انرژی و کالا و خطوط ریلی، ایران می‌تواند به ساماندهی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی بپردازد و از این طریق منافع کشورهای دیگر را با ساحل عمان پیوند دهد و هم منزلت ژئوپولیتیکی خود را در جهان و منطقه افزایش دهد و نیز با بسترسازی اجماع منطقه‌ای و جهانی، فرصتهای جدیدی را برای تضمین امنیت ملی خود تولید نماید.

- ساحل عمان دسترسی را به پهنه‌های اقیانوسی هند باز میکند که می‌تواند نتایج ژئواستراتژیک و اقتصادی در زمینه‌های حمل و نقل، تجارت دریایی، امنیت انتقال انرژی، شیلات و منابع دریایی داشته باشد.

در مجموع بالفعل شدن چنین پتانسیلی، می‌تواند علاوه بر کارکردهای و ارتقاء نقش کلان اقتصادی آفرینی ژئواکونومیک منطقه، با توجه به نیازهای حیاتی کشورهای محصور در خشکی در حوزه‌های پیرامونی ایران، به لحاظ اقتصادی، می‌تواند زمینه‌ساز نوعی همگرایی منطقه‌ای نیز باشد. براین اساس، ایران می‌تواند با استفاده از پتانسیلهای ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیک منطقه و به تبع آن، برقراری نوعی پیوند اقتصادی بر محور منطقه آزاد چابهار، نفوذ قابل توجهی در مناطق پیرامونی، بویژه منطقه آسیای مرکزی و افغانستان به دست آورد. به عبارتی بهتر ایران با استفاده درست و بهینه از منطقه آزاد چابهار بعنوان "هاب حمل و نقل منطقه"، می‌تواند موجبات پیوندهای اقتصادی بین ایران و کشورهای کرانه شمالی و شرقی فضای سرزمینی ایران شده است. یکپارچگی اقتصادی اینچنینی کشورها بر اساس منافع مشترک با درگیری منافع کشورهای متعدد می‌تواند این منطقه را از لحاظ اقتصادی قدرتمندتر سازد. همچنین، این پیوندهای اقتصادی براساس زیربناهای جغرافیایی و ژئوپولیتیکی کمک شایانی برای کشورهای است که تحت تحریم‌های بین‌المللی قرار می‌گیرند. زیرا از این راه است که اولاً کلیت تحریم کشورها سخت می‌شود و از طرف دیگر در شرایط سخت تحریمی می‌توانند بخشی از نیازهای استراتژیک خود را از طریق ظرفیت‌هایی که اشتراک منافی برای دیگر کشورها به وجود آورده است، را تامین کنند. بنابراین وابستگی اقتصادی براساس نیازهای مشترک کشورهای محصور در خشکی به ایران، می‌تواند مانع عمده‌ای در راه کارامدی تحریم‌های بین‌المللی بالاخص تحریم‌های ایالات متحده باشد.



منابع

- ۱- امیری ، هاشم(۱۳۹۰)، نقش عوامل سیاسی امنیتی در توسعه نیافتگی منطقه آزاد چابهار، پایان نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما، دکتر علیرضا محرابی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
- ۲- امیدی علی (۱۳۸۸) ، منطقه گرایی در آسیا : نگاهی به سازمان های آ.سه.آن ، سارک و اکو (تهران : دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل.
- ۳- روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۷/۳/۱۳۹۹
- ۴- قلی زاده وهمکاران(۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل نقش و جایگاه استراتژیک سواحل مکران، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران- ۲۸ لغایت ۳۰ بهمن ۱۳۹۱
- ۵- فتحی یحیی (۱۳۸۱) ، مقایسه تطبیقی تأثیرات دو رویکرد جهانی شدن اقتصاد و منطقه گرایی بر تجارت جهانی ، پژوهشها و سیاستهای اقتصادی ، شماره ۲۱
- ۶- عزتی، عزت الله. (۱۳۹۰) ژئوپولیتیک. تهران: سمت.
- ۷- طرح مطالعات راهبردی منطقه ی آزاد تجاری- صنعتی چابهار، ۱۳۹۵
- ۸- مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۷) امنیت آسیای جنوب باختری در ژئوپولیتیک قرن بیست و یکم، طالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره ۲، تابستان و پاییز .
- ۹- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۱) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: سمت.
- ۱۰- Eyler, Robert. (۲۰۰۷). Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work, Palgrave Macmillan.
- ۱۱ -Hufbauer, Gary Clyde, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott, and Barbara Oegg. (۲۰۰۷). Economic Sanctions Reconsidered, ۳rd ed., Institute for International Economics, Washington DC.



۱۲- Iranian Port Welcomes Indian Traffic to Central Asia, ۱۹۹۵: ۸

۱۳- Kemp, G. (۱۹۹۷). Energy Superbowl: Strategic Politics and the Persian Gulf and Caspian Basin. Washington D.C: Nixon Center for Peace and Freedom.

۱۴- Mackinder, Halford J. (۱۹۴۳), "The Round World and the Winning of the peace", Foreign Affairs, Vol. ۲۱, No. ۴, Available at: <https://ic.ucsc.edu/~rlipsch/Pol۱۷۷/Round/۲۰World.pdf>, Accessed on: ۲۰/۱۷/۱۴.

۱۵-Seiple, Chris (۲۰۰۶), "Revisiting the Geopolitical thinking of Sir Halford John Mackinder: United States – Uzbekistan Relations: ۱۹۹۱ – ۲۰۰۵", Thesis presented to the Faculty of the Fletcher School of Law and Diplomacy, Available at: https://globalengage.org/attachments/۷۷۱_seiple_dissertation.pdf, Accessed on: ۰۸/۱۱/۲۰۱۶.

<https://www.irna.ir/>

<https://ir.sputniknews.com>

<https://avapress.com>

Chabahar Geopolitical Capacities for Bypassing International Sanctions

Dr. Hashem Amiri^۱, Dr. Azam Yousefi^۲

^۱-University Lecturer

^۲-Assistant Professor at Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran

Abstract

Chabahar is the only Iranian ocean port, one of the key positions on the margin of the Gulf and the Oman Sea, and has an important place in the North-South Corridor. This port is located on the transit path of the East, and has various economic and geographic urgent emergencies in transit. In general, the actualization of such a potential can, in addition to the functions and enhancement of the role of the macro geo-economic creation in the region, according to the vital needs of land enclosed countries in Iran's surrounding areas, can also be a kind of regional convergence. For example, Iran can achieve significant influence on the surrounding areas, especially Central Asia and Afghanistan using geopolitical and geo-economical potentials. Thus, the research question is that; does Chabahar have the potential for helping the country in the hard-working conditions? The findings of the research show that economic bonds are based on geographical and geopolitical infrastructure for countries that are under international sanctions. Iran can provide part of its strategic needs through the capacities that have gathered interest with neighbors and other countries. Also, economic dependence is based on the common needs of land enclosed countries to Iran, Chabahar's geography and economic ties of the region, new Hartland in Asian, geopolitics of North and southern Iran in creating a two-way trading network, Chabahar Free Zone and Iran's links with neighbors and .. A major obstacle to the efficiency of international sanctions is especially US sanctions. This



research has been studied using descriptive-analytical method, as well as the use of library resources (books, articles) and Internet resources and using geographic maps.

KEYWORDS: Chabahar, Regional Convergence, Geopolitic, Sanction.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی